

می‌بینیم که رفتار او شایسته نیست ، برای او تفیلا بخوانیم که توبه کند و به راه درست برگردد ، باعث خواهیم شد که خد-اوند نیز به همین صورت با ما رفتار نموده ، به ما رحم کند و مایحتاج ما را فراهم نماید ، حتی اگر اعمال و رفتار ما به صورتی نباشند که لایق رحم خد-اوند باشیم.

امیدواریم همیشه لایق رحم و مهربانی خد-اوند باشیم و به زودی به نجات کامل و آبادی بیت همیقداش مزکی شویم. آمَن!

قدرت تفیلا

این یکی از روش‌هایی است که شخص می‌تواند مایحتاج خود را در زندگی تأمین نماید. این تفکر تا حدی درست است ، زیرا درباره هر موردی باید تفیلا خواند ، ولی تفیلا وسیله و یا راهی نیست که با آن می‌توان مایحتاج خود را در زندگی تأمین نماییم. تأمین مایحتاج انسان به وسیله تفیلا یکی از نتایج فرعی تفیلا است. اصل و اساس تفیلا این است که انسان در قلب خود درک نماید که خد-اوند یکتا باعث و بانی همه چیز بوده ، هست و خواهد بود. همه چیز در دست خد-اوند است و به غیر از خد-اوند هیچ چیز نمی‌تواند به آدم ضربه بزند یا خوبی نماید.

تصور کنیم شخصی در زندگی همه چیز داشته ، هیچ رنج و گرفتاری ندارد و همه امورات وی به خوبی و خوشی سپری می‌شوند. آیا می‌توان گفت چنین شخصی از تفیلا خواندن معاف است؟ مسلماً خیر! همه وظیفه داریم تفیلا بخوانیم ، چه همه چیز داشته و چه نداشته باشیم. زیرا اساس تفیلا این است که با قلب خود درک نموده که همه چیز در دستان خد-اوند است.

انسان فکر می‌کند در این دنیا خود او تعیین می‌کند چه اتفاقی بیفتد ، چقدر پیشرفت داشته باشد ، چقدر بدهد و چقدر بگیرد. زیرا این دنیا به گونه‌ای آفریده شده که فرد نمی‌بیند که خد-اوند باعث و بانی همه چیز است و به همین سبب احساس می‌کند که خود او این همه فعالیت را انجام داده است. پس لازم است همواره و هر روز تفیلا بخوانیم تا درک نماییم که فقط خد-اوند است که باعث و بانی همه چیز است و وی به انسان قدرت می‌دهد چنین فعالیت‌هایی را انجام دهد.

باید این مورد را در نزد خود تقویت کرده ، درک کنیم بدون تفیلا نمی‌توان هیچ چیز به دست آورد. یکی از پندهای بزرگ این پاراشا همین است که به شخص یاد بدهد که فقط به وسیله تفیلا ، انسان می‌تواند پیشرفت داشته باشد و فعالیت کند.

باشد و به این صورت با دیگران رفتار نماید و با خود بگوید: این طرز رفتار خد-اوند است و من نیز می‌خواهم به مانند خد-اوند رفتار کنم."

حال در ایامی هستیم که قوم یسرائل به شدت نیاز به مهربانی و رحمت خد-اوند دارد ، چه از نظر وضعیت کلی قوم و چه از نظر وضعیت جزئی هر شخص. حال اگر طبق این رفتارها به دیگران محبت نماییم و نسبت به آنها مهربانی نشان دهیم و اگر شخصی را

در ابتدای این پاراشا می‌خوانیم مشه ربنو به درگاه خد-اوند می‌خواند تا خد-اوند به او اجازه دهد وارد سرزمین یسرائل شود. دانشمندان توره در تفسیر این جمله فرموده‌اند که مشه ربنو ۵۱۵ تفیلا خواند تا وارد سرزمین یسرائل گردد.

لازم است در این مورد کمی تأمل نمود ، مشه ربنو یک بار ، ده بار و صد بار تفیلا نخواند ، بلکه ۵۱۵ بار تفیلا خواند و چون خد-اوند به او دستور داد که دیگر در این باره تفیلا نخواند ، مشه ربنو دیگر در این باره تفیلا نخواند و اگر دستور خد-اوند نبود ، مشه ربنو تفیلا خواندن را ادامه می‌داد. این می‌آموزاند که همواره باید تفیلا خواند و دوباره از خد-اوند درخواست نمود.

هستند افرادی که در گرفتاری و یا رنجی به سر می‌برند و وقتی به آنها می‌گوییم: "به درگاه خد-اوند تفیلا بخوان تا این مشکل تو حل شود."

در پاسخ می‌گوید: "تفیلا خواندم ولی جواب نگرفتم!" چرا آدمی فکر می‌کند که با یک بار تفیلا خواندن در خواست او برآورده می‌شود؟!

گاهی کافی است که فقط یک بار تفیلا بخواند و خد-اوند درخواست او را انجام می‌دهد ، ولی مواردی هستند که باید چندین سال برای آنها تفیلا خوانده تا خد-اوند تفیلا او را قبول نماید. میدراش می‌فرماید:

"اگر خد-اوند به مشه ربنو دستور نمی‌داد که تفیلا خواندن را پایان دهد ، مشه ربنو هزار تفیلا دیگر نیز می‌خواند." این یکی از اساس‌های تفیلا است که باید دوباره و دوباره تفیلا خواند.

باید فهمید معنی تفیلا خواندن چیست؟ تفیلا خواندن ، اتصال شدن و ارتباط با خد-اوند است. بیشتر مردم فکر می‌کنند اگر در زندگی کمبود یا گرفتاری دارند ، پس باید به درگاه خد-اوند تفیلا خواند و گفت: "خد-اوندا ، من محتاج فلان مورد هستم."

ترجمه اونقلوس در تفسیر این مورد می‌نویسد: "چه قوم بزرگی وجود دارد که خد-اوند به او نزدیک و به تفیلائی او در موقع گرفتاری پاسخ می‌دهد، به مانند خد-اوند خالق ما که هر بار در برابر او تفیلا بخوانیم، جواب ما را خواهد داد."

هاراشبام در تفسیر توره، همواره تفسیر ساده توره را می‌نویسد و اصلاً از سخنان میدراش و غیره استفاده نمی‌کند. تنها جایی که هاراشبام در تفسیر خود، سخنان میدراش را یاد می‌نماید، در تفسیر همین عبارت است.

هاراشبام در تفسیر این جمله می‌نویسد:

"در میدراش شوخر طوو آمده است: فردی وجود دارد که همواره یکی از نزدیکان در نزد او میهمان می‌شود و وقتی این میهمان به خانه او می‌آید، انتظار دارد از وی پذیرایی شود و برای او غذا و نوشیدنی بیاورند. دفعه اول که میهمان می‌شود، صاحبخانه خوشحال است که برای او میهمان آمده، بار اول او را به سالن می‌برد و بر بهترین مکان خانه می‌نشاند. فردا، دوباره همان میهمان می‌آید و این پذیرایی به مانند روز اول مجلل نخواهد بود، بلکه او را روی صندلی می‌نشاند. فردای همان روز، این میهمان برای بار سوم میهمان می‌شود و انتظار دارد به او غذا و نوشیدنی بدهند. این بار می‌توان احساس نمود که صاحبخانه از دیدن این میهمان زیاد خوشحال نیست و از او یک پذیرایی مختصر می‌کند. فردای آن روز که این میهمان برای بار چهارم می‌آید، صاحبخانه می‌گوید: "وای که چقدر این فرد به من زحمت می‌دهد، هر روز می‌آید، میهمان می‌شود و توقع دارد از او به بهترین نحو پذیرایی شود."

میدراش در ادامه می‌نویسد: ولی رفتار خد-اوند این چنین نیست، تمام قوم یسرائیل هر روز به نزد او تفیلا می‌خوانند و درخواست می‌کنند و خد-اوند خوشحال است. این است که توره می‌فرماید: "چه قومی بزرگی وجود دارد که خد-اوند به او نزدیک است، به مانند خد-اوند خالق ما که همیشه او را صدا می‌زنیم."

در کتاب ملاخیم می‌خوانیم که الیشاع هنای معجزات بسیاری انجام داد. گمارا (مسخت مگیلا، برگ 27، صفحه اول) می‌پرسد: "الیشاع این همه معجزه را چگونه انجام داد؟"

گمارا در پاسخ می‌نویسد: "الیشاع با خواندن تفیلا این معجزات را انجام داد."

حال دو نوع تفیلا داریم. یک نوع تفیلا همین تفیلائی است که دانشمندان توره تعیین کرده‌اند و موظف هستیم سه بار در روز به درگاه خد-اوند تفیلا بخوانیم. نوع دوم تفیلا، تفیلاهای شخصی هستند که شخص باید خودش این تفیلاها را در متن تفیلا اضافه نماید و به درگاه خد-اوند التماس کند.

ربی یخزقتل لوینشتین روحش شاد در این باره می‌نویسد: "حتی اگر انسان درجه والایی داشته باشد، باز هم بدون تفیلا نمی‌تواند هیچ چیز به دست آورد. بهرای مثال اوراهام آوینو، وقتی الیعزر را فرستاد تا برای بیصحاق آوینو همسری پیدا کند و بیاورد، الیعزر به اوراهام آوینو گفت: "اگر آن زن نخواست با من بیاید چه کنم؟"

در اینجا اوراهام آوینو می‌توانست بگوید: "من ایمان به خد-اوند را در بین مردم رواج دادم، من در برابر ده آزمایش خد-اوند ایستادم و برای تقدس نام خد-اوند، خود را در کوره آتش انداختم، پس هیچ جای نگرانی نیست، به خاطر این همه فعالیت و اعمال نیک، خد-اوند به تو کمک می‌کند که همسر مناسب را پیدا کنی و آن زن همراه تو بیاید."

ولی اوراهام آوینو چنین چیزی نگفت، بلکه تفیلا خواند تا الیعزر در این مأموریت موفق شود. حال مگر این همه زخوت اوراهام آوینو کافی نبود؟ پس چرا اوراهام آوینو برای این مورد تفیلا خواند؟ از اینجا مشخص می‌شود که بدون تفیلا هیچ چیز کمک نخواهد کرد. ربی یخزقتل در ادامه می‌نویسد: "مشه ربنو نیز می‌توانست به خد-اوند بگوید: من تمام توره را به قوم یسرائیل آموزش دادم و چهل سال تمام زندگی خود را رها کردم تا به امورات قوم یسرائیل رسیدگی کنم، پس به زخوت این مورد اجازه بده تا وارد سرزمین یسرائیل شوم."

ولی مشه ربنو چنین چیزی نگفت، بلکه تفیلا خواند و لازم بود تا مشه ربنو ۵۱۵ بار تفیلا بخواند تا بتواند وارد سرزمین یسرائیل شود. خد-اوند به مشه ربنو دستور داد که دیگر در این باره تفیلا نخواند زیرا با یک تفیلائی دیگر، مشه ربنو وارد سرزمین یسرائیل می‌شد. به همین سبب ربی یوخانان فرمود:

"از اینجا معلوم می‌شود که انسان هیچ چیز در نزد خد-اوند ندارد، زیرا حتی مشه ربنو نیز با التماس و تفیلا از خد-اوند درخواست نمود."

تفیلا قدرت زیادی دارد و انسان باید درک نماید که چنین قدرتی را در دست دارد. هخزون ایش روحش شاد می‌نویسد: "تفیلا به مانند سلاحی است که در دست انسان است."

هر آدمی این امکان را دارد که در برابر خد-اوند بایستد و تفیلا بخواند و هر شخص که زیاد تفیلا بخواند، خد-اوند درخواست او را مستجاب خواهد نمود.

در ادامه پاراشا آمده است: "چه قوم بزرگی وجود دارد که خد-اوند به او نزدیک است، به مانند خد-اوند خالق ما که همیشه او را صدا می‌زنیم."

شرط چهارم این که شخص به صورت واضح تفیلا بخواند و تفیلائی او به گونه‌ای نباشد که بتوان آن را به چند صورت تفسیر کرد. میدراش در این باره حکایت می‌آورد و می‌فرماید: "شخصی بود که در بیابان راه می‌رفت و در نیمه راه خسته شد و تفیلا خواند: "خد-

اوندا ، ای کاش که یک خر اینجا بود."

همان موقع یک وزیر با خرس به او نزدیک شد و از او پرسید: "تو به کدام شهر می‌روی؟"

آن شخص جواب داد: "به فلان شهر."

وزیر با خوشحالی گفت: "چه خوب ، من هم به همان شهر می‌روم ، خر من زاییده و چون این کره خر تازه به دنیا آمده ، نمی‌خواهم در بیابان راه بروم ، این کره خر را کول بگیر و تا شهر بیاور!"

آن شخص به ناچار کره خر را کول گرفت و گفت: "خد-اوندا ، تفیلا خواندم که برایم خر بفرستی ، ولی تفیلا نخواندم که کدام سواری بگیریم ، من بر روی خر سوار شوم و یا او روی من سوار شود."

زیرا هر گناهی که فرد انجام می‌دهد ، یک دادستان برای او به وجود می‌آید و وقتی وی تفیلا می‌خواند ، این دادستانها هر طور که می‌خواهند این تفیلا را تفسیر می‌کنند و بیشتر برای شخص رنج و سختی فراهم می‌آورند.

به همین جهت فرد باید با نیت قلب ، با التماس و به صورت واضح تفیلا بخواند تا تفیلائی او مورد قبول خد-اوند واقع گردد.

برگرفته از مگید دواراو لیعقوب

باید به یاد داشت تفیلا مربوط به قلب است و شخص باید با نیت قلب تفیلا بخواند و هرچقدر نیت قلب آدمی بیشتر باشد ، تفیلا بیشتر مورد قبول واقع می‌شود. شخص باید تلاش کند که همواره تفیلائی جماعتی بخواند.

در کتاب زوهر هقادوش آمده است: "وقتی که انسان تفیلا می‌خواند ، فرشتگان از این تفیلا تاج درست می‌کنند و این تاج را روی سر خد-اوند می‌گذارند."

یکی از شاگردان ربی الياهو از ویلنا در این باره می‌نویسد: "وقتی که شخص به صورت جماعتی تفیلا می‌خواند ، حتی اگر تفیلائی او به سبب خستگی یا نگرانی بدون نیت باشد ، باز هم تفیلائی او مورد قبول خواهد بود. به مانند تاج پادشاه که علاوه بر طلا و سنگهای قیمتی ، سوراخهای بسیاری دارد و این سوراخها باعث می‌شوند تاج پادشاه زیباتر به نظر برسد. وقتی شخص به صورت جماعتی تفیلا می‌خواند و به سبب دلواپسی یا مورد دیگر بدون نیت تفیلا می‌خواند ، تفیلائی او را در سوراخهای تاج می‌گذارند و این سوراخها باعث زیبایی تاج پادشاه می‌شوند. ولی اگر شخص تنهایی تفیلا بخواند و تفیلائی او بدون نیت باشد ، فقط سوراخ دارد ، بدون تاج."

ربنو خیم بن عطار روحش شاد می‌نویسد که برای قبولی تفیلا چهار شرط لازم است:

اول این که تفیلائی شخص با التماس و خواهش و نه به صورت عادت و بدون نیت باشد.

دوم این که شخص فقط و فقط به خد-اوند توکل نماید و از خد-اوند بخواهد پاسخ درخواست او را بدهد.

سوم این که شخص در زمان مناسب تفیلا بخواند. به این مفهوم که شخص زمان تفیلا را به تأخیر نیندازد. علاوه بر این، زمانهایی هستند که در آنها ، تفیلا بیشتر مورد قبول خد-اوند می‌شود ، به مانند زمان بعد از نیمه شب یا زمان صبح سحر.

قابل توجه خوانندگان گرامی

در مملهای ذیل امکان دریافت نشریه چاپ شده وجود دارد و به هیچ عنوان نمایندهای

برای جمع‌آوری کمک به نشریه ندارد:

* **یروشالیم:** گئولا ، فیابان ملفی ایسرائل شماره ۲۵ فروشگاه آقای فرجیان

* **تل آویو:** فیابان علیا شماره ۲۳ ، آقای کهن فولادی ۹۳۷۸۲۸۱-۵۴۰ * **کفرسابا:** آقای مروتی کهن تلفن ۳۵۶۱۵۲۹-۵۲۰

* **ناتانیا:** آقای فرهاد تراشندگان تلفن ۸۶۸۶۸۸۶-۵۲۰ * **پیتار:** خانواده آقای نورانی تلفن ۸۴۲۸۹۳۶-۵۴۰

* **تارنمای:** [پاراشای هفته ۱](#) [پاراشای هفته ۲](#)